



نوع روابط در بین اعضای خانواده

هر خانواده معمولا در ارتباط با فرزندان خود از یک نوع روش تربیتی معین برخوردار است ، منظور از روش تربیت عبارت از شیوه ای است که والدین بر اساس آن به تربیت فرزندان خود می پردازند...

هر خانواده معمولا در ارتباط با فرزندان خود از یک نوع روش تربیتی معین برخوردار است ، منظور از روش تربیت عبارت از شیوه ای است که والدین بر اساس آن به تربیت فرزندان خود می پردازند.

انواع شیوه های تربیت

صرف نظر از تفاوتها ی بسیاری که در روش تربیت فرزندان وجود دارد ، امروزه می توان از 3 نوع روش تربیت متداول صحبت نمود:

روش تربیت قدرت مدارانه :

این روش ، همان روش سنتی قدیم می باشد که بر این استدلال استوار است که برای جلوگیری از لوس شدن فرزند باید از به کار بردن چوب و عصا مضایقه نکرد .

در این روش والدین قوانین و اصول تربیتی ویژه ای را در خانواده خود حکمفرما نموده اند ، در این روش تلاش نمی شود تا به کودک توضیح داده شود و در این روش زمانی که کودک از اصول و قوانین خانواده تخطی نماید معمولا مورد تنبیه بدنی قرار می گیرد .

در این روش به تشویق و پاداش به عنوان یک وسیله تربیتی برای رفتار مطلوب کودک چندان توجهی نمی شود ، رفتار مطلوب و متناسب با قوانین بعنوان یک وظیفه به حساب می آید .

روش تربیت آزاد گزارنده:

این برعکس روش بالاست اکثر بزرگسالان تابع کودکان و فرزندان خود می گردند ، والدین در این روش به چنین فلسفه ای معتقدند که کودکان خود باید از پی آمدهای عملشان یاد گیرند که چگونه و به چه شیوه ای رفتار کنند .

در این روش تلاش زیادی برای آموزش قوانین به کودک صورت نمی گیرد . در این جا کودکان برای تخلف عمدی از قوانین و اصول تنبیه نمی شوند ، حتی در مقابل رفتار مطلوب هم تشویق نمیشوند ، در این روش که بدترین روشهاست هیچ یک از سه عنصر لازم در اختیار وجود ندارد .

روش تربیت متعادل :

در این روش که بهترین روش است به حقوق کودک توجه زیادی می شود ، در این روش به این نکته بسیار اهمیت داده می شود که کودک قبل از هر چیز باید از قوانین و اصول اخلاقی و تربیتی خانواده اطلاع داشته باشد .

در اینجا فرزندان فرصت ابراز عقیده داشته و حتی کودکان خردسال کورکورانه وادار به اطاعت نمی شوند، اگر کودک مرتکب کار خلاف شد به او به عنوان یک مجرم نگاه نمیشود، کودکان برای رفتار مطلوب مورد تشویق و پاداش قرار می گیرند .

در این روش والدین در مواجهه با فرزندان به صورت مشترکی عمل می کنند و فرزندان از آنها واکنش های یکسانی را انتظار دارند و والدین به نیازهای دوران کودکی و نوجوانی بخوبی آگاهی داشته و در ضمن برقراری انضباط و محدودیت در مورد کودکان نیازهای عاطفی آنها را نیز تامین می کنند (1)

در چنین خانواده هایی والدین سرمشق زندگی کودک بوده ، تمامی رفتار آنها به عنوان یک زیربنا در سازندگی کودک موثرند، مثلا رفتار مذهبی والدین ، نظم و ترتیب موجود در زندگی آنها ، مهر و محبت و عواطف خوب آنها نسبت به همدیگر ، رعایت حق و عدل در همه جوانب زندگی ، پذیرش مسئولیت در چنین خانواده هایی ، تناسب رشد و استعداد و امکانات و راه و رسم زندگی و آداب آن و طرز برخوردها و رفتار اخلاقی والدین ، همه این موارد جنبه الگویی والدین را برای کودکان نشان می دهد " (2)

پی نوشتها :

- 1- روانشناسی تربیتی ، ص 117
- 2- خانواده و تربیت کودک